

برغرض شخص مقدم می‌دارد، درست نقله برابر و مخالف طریقه پدرش می‌باشد، از پدرش مخارج نمی‌گیرد و به خانه پدرش زیاد آمد و شد نمی‌کند، در کوچه و بازار تنها می‌رود. با این که مراتب علمیه‌اش از دیگران کمتر نیست و اگر در محکمه شرع جلوس کند اطرافش را می‌گیرند. اصلاً قایل به تدلیس و نفاق نیست. در قم معاون علما است، به اندازه صد نفر از طلاب را ریاست دارد، تا همه طلاب غذا نخورند این آقا غذا نمی‌خورد و در ذیل مجلس طلاب می‌نشیند. روزها طلاب را می‌آورد در سخن مقدس حضرت معصومه، و آنها را مشق نظام می‌دهد و آنها را ترویج و تشویق می‌نماید بر حفظ اسلام و همه وقت می‌گوید: مردم! مظلوم واقع نشوید، مردم! قبول ظلم نکنید. صاحب يك حرارتی فوق‌العاده است. برخلاف پدر و برادرهایش با فقرا و ضعفا به حسن سلوک معاشرت می‌کند و شاید به طور قطع عرض کنم ضررهائی که از حاج شیخ فضل‌الله به این مذهب اسلام و اهل ایران رسیده است جبران همه را تا به امروز این پسر می‌کند. یعنی وجود آقا میرزا مهدی به منزله حسنه‌ای است که سیئات را می‌برد. پس به مفاد ان‌الحسنات یدعین‌السیئات. ما جبران سیئات حاج شیخ فضل‌الله را به وجود آقا میرزا مهدی می‌کنیم و می‌نویسیم، ان‌شاءالله تعالی دیگر حاج شیخ فضل‌الله خوب خواهد شد و به مقتضای عفی‌الله عما سلف. از کارهای گذشته و اعمال حاج شیخ فضل‌الله در این سفر قم چشم پوشیدیم امیدواریم خداوند او را توفیق خدمت به اسلام و مسلمین عطا فرماید. باری محض خاطر این پسر مراتب پدر را محفوظ می‌داریم و می‌نویسم حاج شیخ فضل‌الله محض بدی هوای قم و گرمی هوا و بودن تب نوبه در آن جا، زودتر از آقایان حرکت کرد و الان در کهریزك دو فرسخی طهران متوقف است تا مهاجرین برسند.

مذاکره نمایندگان با صدر اعظم

و امضاء فرمان مشروطیت توسط شاه

امروز جناب آقا میرزا محمد صادق و جناب آقا میرزا محسن و آقا سید علاء‌الدین رفتند صاحب قرآنیه و در آن جا وزراء مجلس کردند. امیر بهادر وزیر دربار گفت: آقایان هرگز مجلس نمی‌خواهند و راضی به مجلس نخواهند شد، زیرا که مجلس شورا خلاف شرع است و اگر مجلس تشکیل گردید دیگر کسی ظلم نمی‌کند و اگر کسی ظلم نکرد دیگر احدی مظلوم نخواهد شد و اگر کسی مظلوم واقع نشود دیگر درپ خانه‌های آقایان کسی نمی‌رود و دیگر کسی کاری با آقایان ندارد.

جناب آقا میرزا محمد صادق در جواب گفت: مجلس شورای موافق دین ما می‌باشد زیرا که خداوند در قرآن به رسول خود می‌فرماید و شاورهم فی‌الامر، و در جائی دیگر

فرموده است: و امر هم شوری بینهم . (۱)

وزیر دربار گفت شورای اسلامی خوب است چرا به شورای ملی بدل گردید؟ جناب آقا میرزا محمد صادق جواب داد: برای این که رعیت این لفظ را خواست که فردا اگر کسی را از اهل مجلس بخواهید نفی و تبعید کنید خواهید گفت این بی دین و خارج از اسلام است. به این بهانه اشخاصی که مخالف میل شما رفتار نموده اند باید خارج شوند. اما لفظ ملی این عیب را مانع خواهد بود .

دیگر آن که اگر اسلامی مبدل به ملی نشود، مردم از سفارتخانه بیرون نخواهند آمد، باری دیگر از مذاکرات آن روز آن که و کلاء آقایان گفتند: دستخط شاه باید به صورت ملفوفه نوشته شود که به علاوه سحبه شاه، مهر شاه را نیز داشته باشد و صدر اعظم هم فرمان را مهر کند و ثبت دفتر هم بشود که آن وقت رسمیت داشته باشد. دیگر آن که بعضی عبارات تغییر و تبدیل نشود. صدر اعظم گفت: باید بر طبق میل علماء و ملت رفتار کنیم. نایب السلطنه گفت: ضرری ندارد که عرایض ملت را حضور اعلیحضرت عرض کنیم. لذا صدر اعظم با نایب السلطنه حرکت کردند که بروند حضور اعلیحضرت شاهنشاه به جناب آقا میرزا سید محمد صادق و سایرین هم تکلیف کردند که شما هم بیائید حضور و با هم عرایض ملت را عرض کنیم و کلاء آقایان به ملاحظه این که شاید در حضور اعلیحضرت مجبور شوند به قبول آنچه که میل دربارها در آن است لذا عذر آوردند و گفتند که ما از طرف علماء و آقایان مهاجرین آمده ایم که با وزراء مذاکره نمائیم نه با شاه. نایب السلطنه چون می دانست اگر امیر بهادر حضور اعلیحضرت مشرف شود، سنگ جلو می اندازد و مانع اصلاح خواهد گردید لذا به صدر اعظم رسانید و گفت شاید شما بخواهید که با شاه بعضی مطالب محرمانه را گفتگو نمائید و شاید شاه بخواهد بعضی فرمایشات محرمانه سری بفرماید. من با وزیر دربار نمی آیم. صدر اعظم قبول نمود و تنها رفت حضور شاه و آنچه می دانست عرض کرد اعلیحضرت شاهنشاه مستدعیات را قبول فرمود فرمان را امضاء و مهر نمودند، کار تمام شد. فرمان را آورد و داد به و کلاهی آقایان .

امروز بعضی از دانشمندان صورت دستخطی نوشتند و در سفارتخانه خواندند و گفتند باید این طور دستخط نوشته شود و به امضاء شاه برسانند، لکن رؤساء تجار گفتند دیگر کار گذشته است و هر ساعت نمی توان شاه را مجبور نمود که دستخط را عوض کنند، ولی ما سورت آن را ذیلاً درج می کنیم که خوانندگان تاریخ بدانند، اگر و کلاء آقایان نیامده بودند، مردم بهتر کار را می گذرانیدند و این صورت بهتر از آن صورتی است که صدر اعظم صادر کرد و هذا صورته .

(۱) افسوس که جناب آقای میرزا محمد صادق معنی آیه را ترجمه نکرد و شاید وزیر دربار چنین فهمیده که این دو آیه برخلاف شوری است .

صورت سواد دستخطی که به امضاء فرمائید.

محض دوام دولت و بقای سلطنت و قوام هیئت اجتماعی ملت تأسیس مجلس شورای ملی که عبارت از مجلس تنظیبات و مرکب از وکلاء منتخبین ملت و رجال با سیاست امین، دولت به حیثیتی که حاکم باشد بر جمیع دوایر دولتی و امورات مملکتی و تمام ادارات لشکری و کشوری، از قبیل اداره معارف و وزارت تجارت و فلاحت و صناعت و معادن و شوارع و طرق و اداره نظمیه و هیئت نظام عسکری و اداره مالیه و وزارت عدلیه، با شمول منتخبین قصبات و ولایات بعیده در هیئت انجمن شورای ملی مقرر فرمودیم و باید شعب وزارت عدلیه به قانون جدید در جمیع ولایات حاکم نشین دائر و تأسیس و برقرار شود و در تمام بلاد و قری ، کلیه مطالب غامضه سیاسیه رجوع به انجمن شورای ملی مرکزی شود و در امورات جزئی داخلی به همان شعبات وزارت عدلیه که در ولایات حاکم نشین قائم است ، فیصل دهند و باید احکام مباحوث در مجلس شورای ملی ، بنا بر قاعده اکثریت آراء مردود و مقبول افتد و به توسط یکی از اعضای منتخب مجلس شورا به حضور مبارک مرور و البته مجری شود و باید این دستخط صادره را سفرای دول متمدنه تصدیق نمایند .

این صورت را اگر رسانیده بودند به صدراعظم به امضاء می‌رسانید ، ولی حیف که به همان صورت فرمان قناعت کردند .

روز جمعه ۱۹ جمادی الاخری ۱۳۲۴ هجری - امروز اکثر اهل سفارتخانه و متحصنین از سفارتخانه خارج شده و بازارها را با این که جمعه بود باز کردند. تهیه جراحانی را دیده ولی رؤساء و تجار و اساتید هر فنی هنوز در سفارتخانه می‌باشند ، چادرها هنوز سر پا می‌باشد تا آقایان مراجعت کنند .

جناب آقامیرزا محمدصادق تلگراف مفصلی به قم مخایره نموده و صریح در تلگراف نوشتند که اگر حرکت نکنید و به طرف طهران نیائید ، کار خراب می‌شود، مسلمین از دست می‌روند ، زیرا که دولت قبول کرده است مجلس شورا را بدهد ، بلکه متقبل شده است آنچه را که بخواهید، دیگر مسامحه و ماطله روا نیست. لکن با این اصرار امروز و دیروز که مخایره کرد جوابی نرسید، مردم حیران و بدون تکلیف می‌باشند .

در قم هم آقایان مشغول تهیه حرکت می‌باشند . جناب آقامیرزا مهدی ولد حاج شیخ فضل الله که همراه پدرش حرکت نکرد، این ایام نزد آقایان و مشغول مشق پیاده نظام است به طایفه طلاب و محصلین .

ابتدای ورود به سفارتخانه از روز چهارشنبه بیست و چهارم جمادی الاولی ۱۳۲۴ بود الی امروز که جمعه ۱۹ جمادی الاخری می‌باشد، بیست و پنج روز است، لکن تا چادرها کنده

و بساط برجیده شد يك ماه طول کشید، چه روز دوشنبه ۲۲ شروع به این کار شد که مطابق با حرکت آقایان و هجرت آنان باشد و انتهایش نیز آمدن آقایان بود که جناب آقا سیدعبدالله و جناب آقا میرزا سید محمد آمدند دم سفارتخانه و بقیة السیف را حرکت دادند . پس مدت تحصن در سفارتخانه و هجرت آقایان از طهران به قم و معاودت آنان درست يك ماه بود . « العجب كل العجب بین الجمادی والرجب » در واقع اشاره ای است به این واقعه بزرگ تاریخی . باری اکثر از مردم امروز از سفارتخانه خارج شدند .

باز شدن بازار و جشن چراغانی

روز شنبه بیستم جمادی الاخری ۱۳۲۴ هجری - امروز بازارها باز شد، اکثر مردم آمدند در بازار برای تهیه چراغان و بعضی هم ماندند در سفارتخانه تا تأسیس مجلس و آمدن آقایان .

شب گذشته به ملاحظه عدم تهیه ، چراغان صحیحی نشد . از طرف صدراعظم به تمام بلدان ایران تلگراف شد که آقایان مهاجرین مراجعت می کنند و باید در شهرهای ایران چراغانی کنند و جشن انعقاد مجلس شورای ملی را بگیرند .

حاج محمدتقی و برادرش حاج حسن که وکیل خرج بودند، در سفارتخانه با حاج سید صراف که او هم زحمت کشیده و از مال و جان دریغ نکرد ، امروز آمدند منزل آقای طباطبائی که با جناب آقا میرزا محمد صادق قراری برای استقبال از آقایان گذارند . بنام حاج سید صراف تا حسن آباد برود، ولی حاج محمدتقی در سفارتخانه باشد، تا دستور العمل برای او از حسن آباد تلفن شود. امروز جناب آقا میرزا محمد صادق نیز فرستاد در تلگرافخانه و مطالبه جواب نمود ، معلوم شد هنوز آقایان جواب تلگراف را نداده اند و حرکتشان معلوم نیست. اهل بازار امشب را نیز در تهیه چراغانی می باشند .

روز یکشنبه ۲۱ جمادی الاخری سنه ۱۳۲۴ هجری - دیشب چراغان باشکوهی بود ، جمیع بازار و سراها چراغان بود ، مردم خوشحال و خرم بودند ، جناب صدر اعظم با جمعی از رجال دولت آمدند بازار، در سرای امیر در حجره حاج حسین آقا، به قدر يك ساعت نشسته موزیک حاضر شد ، به قدر نیم ساعت موزیک زدند . بعد از صرف چای و قلیان و شربت و شیرینی در سرای حاج حسن هم نیم ساعت نشستند . در بازار مردم را تبریک گفته بسیار به خوبی سلوک می نمود ، مردم این سلوک صدراعظم را که می دیدند عداوت عین الدوله را در سینه بیشتر قرار می دادند .

يك شبنامه هم در این روزها در مجامع و مدارس و كوچهها افتاده شد که صورت آن از این قرار است :

صورت شبنامه مجلس ملیة اسلامی

در آن نمره اشاره کردیم که مجلس ملی عبارت است از آن که هر طبقه از

طبقات ملت مثل علماء و بلاکین و تجار و ارباب صنایع و کسبه ، از قبیل عطار و بقال و علاف و کفاش و غیره و غیره، هر صنفی از اصناف رعیت یک نفر دانشمند امین، هر طبقه از طبقات خودشان حاضر شوند، در باب مصالح و مفاسد مملکت و ملت سخن رانند و مشورت نمایند که هر چیز باعث آسایش ملت و موجب آبادی مملکت است، در صدد او بر آیند و کدام کس علت خرابی مملکت و صدمه ملت است، قلع و قمع نمایند. از چه راه مملکت صاحب ثروت و امنیت خواهد شد و به چه چیز مفاسد و معایب بر اثر آن رفع شود و هم باید از سایر بلدان ایران از هر ولایت از طرف رعیت یک نفر دانشمند با صداقت در مجلس مرکز حاضر باشد چنانچه شرح آن در نمره سابق عرض شد. چنانچه مسلم است مهم ملتی و مملکتی جزئاً و کلاً از عزل و نصب حکام مطلقاً و غیره تمام در مجلس مذاکره شود، اهل مجلس هر چه رأی دادند ، باید از آن قرار رفتار کرد و نیز پوشیده نماند امناء مزبوره مادامی که از طرف ملت و کالت دارند که خلاف امانت و دیانت از آنها ظاهر نشود، که اگر به قدر خردلی خیانت از هر یک ظاهر شود ، آحاد و افراد ملت حق دارند که در مجلس حاضر شوند و خیانت او را برسانند و معزول نمایند او را و دیگری را به جای او منصوب نمایند و این مطلب هم مسلم است که شرافت در مجلس معدلت ملی به دانش و امانت است . چه آن که دیده خواهد شد ، بسا کسانی که دارای منصب و ثروت و دولت و پسر فلان و بهمان ، بلکه دارای تخت و تاج کیان در این مجلس راه نیابد و اشخاصی که زاویه نشین، عزلت گزین در این مجلس، سمت عضویت بهم رسانند و دارای درجات عالیه گردند. این نمره را هم در کمال دقت ملاحظه فرمائید .

بازگشت مهاجرین از قم

آقایان مهاجرین از قم حرکت کردند، با این حال که یک منزل آقایان بیابند، آن وقت گاری و درشکه و مالها را برگردانند ، طلاب و سادات را حرکت دهند . بعضی از طلاب که پیاده با آقایان آمده بودند در بین راه اسبهای غلامهای کشیکخانه و سوارهایی که مأمور بودند، با آقایان باشند، گرفته و سوار شدند. بیچاره سواره‌ها التماس می کردند حالا که اسبهای ما را سوار شدید ، تفنگهای ما را نیز گرفته با خود داشته باشید ؛ چه ما را قوه حمل این تفنگها در این هوای گرم نیست .

اگرچه طلاب اکثرشان مریض و علیل بودند و هوای گرم قم به آنها صدمه زده بود، لکن باز با سوارها همراهی می کردند. گاهی دو نفر یکی از طلاب و یکی از سوارها دو-پشته سوار می شدند ، بعضی از اوقات سواره و پیاده بودند یعنی یک فرسخ طلبه سوار می شد و یک فرسخ سوار صاحب اسب. باری اگرچه طلاب علی الظاهر ارجحاف به سواره‌ها می کردند

لکن در عوض سرمنزل آنها را به غذا و جای و قلیان و سیگار سیر و تلافی می کردند. سوارها هم در مراجعت راضی بودند که صدمه از آنها به اهل علم و اولاد پیغمبر نرسید، بلکه خود را خادم آنها قرار دادند. با این حال آقایان منزل به منزل راه را می گذرانیدند. روز دوشنبه ۲۳ جمادی الاخری ۱۳۲۴ - در این روز دوشنبه مردم در تهیه استقبال از آقایان مهاجرین می باشند، از حضرت عبدالعظیم الی حسن آباد در اکثر نقاط چادرها زده اند و تهیه ورود واردین را دیده، به قدر پنجاه شصت نفر از تجار ارامنه در کهریزک چادر زده اند.

اشخاصی که در سفارتخانه متحصن بودند در هرچادری ده نفر ماندند، مابقی رفتند استقبال. شب گذشته در شهر نیز چراغانی بود. از قرار مسموع اعلیحضرت شاهنشاه از جهت انعقاد مجلس خیلی خوشحال و خرسند می باشد. روز گذشته تغییر و تشددی به نیرالدوله حاکم طهران و سپهدار فرمودند که شما را کی حکم داد که با سادات و علماء طرف شوید و سادات را تفنگ زیند و بکشید که تا دامنه قیامت طایفه قاجاریه مورد لعن و طرد مردم واقع شوند و اسم آنان را در تواریخ به بدی ببرند.

از طرف دولت هم از برای استقبال از آقایان تهیه خوبی دیده شده است که فردا يدك و کالسکه و درشکه های دولتی را هم جلو آقایان ببرند.

جمعی از طلاب در مدرسه خان مروی انجمنی کرده اند و می گویند نظامنامه مجلس شورای ملی را باید به اطلاع ما بنویسند و خودشان شروع کرده اند در نوشتن نظامنامه. حاج سید عبدالحسین واعظ و آقا سید محمد تقی سمنانی هم رفته اند در مسجد جامع و در آن جا مجلس دارند. تعجب می کنم آن روزی را که در مسجد جامع تیر تفنگ خالی شد و همین حاج سید عبدالحسین را دیدم که پسر خود را که ده سال داشت، گذارده و فرار کرد ولی امروز این آقا با نهایت قوت قلب در همان مجلس، همان مسجد نشسته و فریاد مشروطیت را به آسمان می رساند؛ به فاصله يك ماه آن ترس و خوف کجا رفت و این قوت قلب از کجا آمد؟ کسی که پسر کوچک و طفل صغیر خود را گذارده و فرار می کرد، امروز برای ابناء وطن کار می کند.

استقبال از مهاجرین

روز سه شنبه ۲۳ جمادی الاخری ۱۳۲۴ - شب گذشته در شهر نیز چراغانی مفصلی بود، ولی بعضی از مردم چراغان نکرده و چراغانی را گذاشتند برای ورود آقایان. امروز حضرات آقایان و علماء مهاجرین، ظهر را وارد کهریزک شدند، عصر دم زنجیر عصرانه میل نمودند. نزدیک غروب آفتاب وارد حضرت عبدالعظیم شدند. از قم تا ورود به حضرت عبدالعظیم هنگامه ای بود که صفحه تاریخ یاد نداده است. طایفه ارامنه به قدر صد نفر در کهریزک چادر زده بودند، طایفه یهود بین حضرت عبدالعظیم و کهریزک به قدر پانصد

نفر در زیر چادری بودند. گوسفند بسیاری برای قربانی و کشتن آورده بودند.

مجموعه و مختصر آن که از کهریزک تا حضرت عبدالعظیم زیر چادر بود. طنابهای چادرها بهم وصل بود، اصناف و کسبه بعضی در سفارتخانه و اکثر در حضرت عبدالعظیم می‌باشند. شاگردها دکاکین را باز کرده‌اند، ولی امروز جار کشیدند که فردا دکاکین را ببندند.

روز چهارشنبه ۲۴ جمادی الاخری ۱۳۲۴ - امروز جمیع بازارها و سراها بسته شد؛ همه مردم و کسبه از مسلمانان و ارامنه و یهود و گبرها برای استقبال ورود آقایان رفتند به شاهزاده عبدالعظیم. اشخاصی که جلوتر رفته بودند آنها هم در زاویه حضرت عبدالعظیم حاضر بودند. از طرف دولت وزیر علوم حکم کرد مدارس را تعطیل نمودند، خود وزیر علوم هم آمد به حضرت عبدالعظیم.

دیشب مستشار الملک از طرف دولت پذیرائی نمود و مردم را شام و غذا داد. حاج مدیرالدوله و شهاب‌الممالک و جمعی دیگر از بزرگان از طرف دولت آمدند به حضرت عبدالعظیم.

در سه ساعت از دسته گذشته حضرات مهاجرین سوار شدند، کالسکه‌ها و درشکه‌های دولتی حاضر شده، طلاب و سادات را سوار کردند. درشش ساعت از دسته گذشته وارد دروازه شدند، به قدر پنج شش هزار نفر مردم پیاده اطراف کالسکه آقای طباطبائی و آقای بهبهانی را گرفته، در این هوای گرم همراه کالسکه پیاده می‌دویدند. در آب انبار قاسم‌خان که قبرستان است، پیاده شده و در قهوه‌خانه‌ای که آن‌جا بود قدری مکث و توقف کردند. نایب‌السلطنه برادر شاه که سپهسالار است با پانصد نفر قزاق و سواره تا آب انبار استقبال نمودند.

کالسکه مخصوص شاه را آوردند که آقایان سوار شوند، آقایان قبول نکردند. نایب‌السلطنه رفت در قهوه‌خانه و التماس نمود که به قدر صد قدمی هم باشد سوار کالسکه شاهی بشوید که شاه مکدر نشود؛ لذا حضرت آقای طباطبائی و آقای بهبهانی در کالسکه شاهی سوار شده به قدر صد قدم به دروازه مانده پیاده شدند و سوار قاطر شدند. دیگر جمعیت سواره و پیاده را خدا می‌داند. یدک متجاوز از صد و پنجاه عدد بود که سی عددش از طرف دولت بود. کالسکه و درشکه به قدر پانصد عدد مجانی بود. چه دولتی و چه غیر دولتی، از آب انبار قاسم‌خان تا دم دروازه سی و شش گوسفند کشته شد. دیگر از دم دروازه تا منازل آقایان از شماره خارج ولایعد و لایحصی بود. در جلو آقایان جناب معتمد خاقان که حاکم قم بود و از قم تا شهر با آقایان بود با جناب معین حضور سواره حرکت می‌کردند و مردم را امر و نهی می‌کردند و نظم و انتظام مستقبلین را می‌دادند. دیگر هر کس از هواخواهان ملت در خدمت خود حاضر بود، حاج شیخ فضل‌الله تحت‌الشعاع بود. کسی را نظری به او نبود؛ به حدی کله بود که بنده نگارنده دل به حالتش سوخت، چه با آن حب ریاست، احدی دست او را نیوسید و کسی اعتنا به او نمی‌کرد.

در حضرت عبدالعظیم سه مسئله طرح شد و همه آقایان متفق و متحد شدند بر این سه مسئله و خطابه هم خوانده شد و این سه مسئله را به عموم مردم گفتند :

اول آن که دید و بازدید آقایان موقوف گردد تا انعقاد مجلس ، یعنی تا مجلس منعقد نگردد آقایان از احدی بازدید نکنند و منزل احدی نروند .

دویم آن که مراجعات و رسیدگی علماء به امورات شرعیه تا انعقاد مجلس موقوف باشد .

سوم آن که آقایان از شاه دیدن نکنند تا این که مجلس منعقد شود آن وقت برای اظهار تشکر حضور شاه بروند به حالت اجماع و هیئت اتفاق .

باری در ساعت پنج به غروب حضرت حجة الاسلام آقای طباطبائی و آقای بهبهانی احیاءکننده دین اسلام و موجد و باعث تمدن در ایران، وارد خانه خویش گردیدند و مردم شربت و چای صرف نموده به خانه های خودشان مراجعت نمودند .

در سفارتخانه هم امروز جمعیت از دیروز زیادتر می باشد، تا مجلس برپا نشود خارج نخواهند شد .

امروز عصر آقایان برای دیدن بیرون نیامدند ، هر کس آمد قلیانی کشیده مراجعت می کند .

روز پنجشنبه ۲۵ - شب گذشته بازارها و سراها چراغان مفضل باشکوهی بود ؛ در سرای حاج حسن و سرای گبرها موزیک می زدند ، باز مردم در سفارتخانه زیاد شدند و می گویند : تا مجلس منعقد نشود، ما از این محل خارج نخواهیم شد. لکن طرف عصر آقای آقا سیدعبدالله و آقای طباطبائی رفتند دم سفارتخانه در قراولخانه که نزدیک سفارتخانه بود جلوس فرمودند، متحصنین آمدند نزد آقایان، پس از مذاکرات بسیار آقایان مردم را راضی نموده و بیرون آوردند. لکن اسبابها و چادرها را بنا شد فردا ببرند .

امروز حکمی از صدراعظم صادر گردید به این مضمون :

حکم صدراعظم

جناب جلالتمآب اجل اکرم محقق السلطنه دام اقباله، برای افتتاح و انعقاد مجلس محترم شورای ملی، مقرر گردیده است از فردا که روز جمعه بیست و ششم است ، عمارت بزرگ وسط باغ بهارستان به جهت اجزاء محترم مجلس معین شود. البته حسب الامر از فردا صبح قدغن نمائید عمارت مزبوره را تنظیف کرده، اجزاء و سرایداران حاضر باشند که اجزاء مجلس به میمنت در ظل مراحم بندگان اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداء در آن جا حاضر و شروع به کار نمایند، زیاده زحمت است .

روز جمعه ۲۶ جمادی الاخری ۱۳۲۴ - امروز بنا بود در باغ بهارستان که نزدیک

مدرسه سپهسالار می باشد مجلس منعقد گردد. لکن آقایان قبول نکردند که این مکان در وسط شهر واقع نیست و مجلس باید در وسط شهر باشد که دسترس عموم مردم باشد. وانگهی عمل این مکان باید به اذن و اجازه ورثه مرحوم سپهسالار بگذرد و آن زمانی را می خواهد ، لذا قرار شد در مدرسه نظامی از فردا که روز شنبه است مدعوین و علمای اعلام در آنجا حاضر باشند و اگر مانعی نرسد ، طرف عصر را بروند حضور شاه در صاحبقرانیه برای اظهار تشکر .

امروز حاج حسین آقا و حاج محمد اسمعیل منازعه ای و معین بوشهری و جمعی دیگر از تجار معتبر آمدند خدمت حضرت حجة الاسلام آقای آقا میرزا سید محمد طباطبائی برای کسب تکلیف و طرف عصری هم جناب آقای بهبهانی و جناب حاج شیخ فضل الله و جناب صدرالعلماء آمدند نزد آقای طباطبائی برای تکلیف فردا. اشخاصی که در سفارتخانه باقی مانده بودند، امروز رفتند. چند نفر از تجار دم در، چادرها را تفحص می کردند، هر چه قند و جای و برنج و اشیاء دیگر در بین آنها در این چند روزه بعضی ذخیره کرده بودند ، پس می گرفتند .
خبر تلگرافی رسیده دیشب در اصفهان چراغان بوده علماء اعلام جشن مجلس را گرفته اند .

تشکیل اولین مجلس در مدرسه نظامیه

روز شنبه ۲۷ جمادی الاخری سنه ۱۳۲۴ هجری - امروز مجلس در مدرسه نظامیه برپا شد، قریب سه چهارهزار نفر جمعیت در مجلس و خارج مجلس جمع شدند، به قدر پانصد نفر از علماء و وزراء و ابناء سلطنت و نایب السلطنه در مجلس نشسته بودند، صدراعظم بعد از پذیرائی برخاست و لایحه خواند. اهل مجلس محض احترام و تشکر از این مجلس برخاستند. بعد از قرائت لایحه صدراعظم، جناب حاج شیخ مهدی سلطان المتکلمین که از اعظم واعظین و ملت خواهان است ، برخاست از طرف ملت لایحه خواند که مشتمل بود بر اظهار تشکر از طرف ملت . بعد از اتمام لایحه ، جناب اجل عضدالملک که رئیس مجلس بود يك طاقه شال ترمه کشمیری خلعت داد به جناب حاج شیخ مهدی . حضرات واردین که بر حسب دعوتنامه دولتی حاضر بودند صرف شربت و شیرینی نموده، جناب عضدالملک از طرف اعلیحضرت اظهار محبت به مردم نموده پس از اتمام لایحه ملت، عموم حضار صداها را به «زننده باد ملت، شاه، ایرانیان و پاینده باد ملت ایران» بلند کردند و صرف شربت و شیرینی نموده با خاطرهای شاد متفرق گشتند .

صورت لایحه مشیرالدوله صدراعظم

البته هر کدام از ماها که در این مجلس شرف حضور داریم ، مختصراً می دانیم که مقصود از تشکیل این مجلس محترم و اجتماع آقایان علماء و وزراء و امتناء و اعیان و اشراف و تجار و اصناف در این مجلس چیست؛ ولی محض این

که نیت پاک و مقدس بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه، به طور شایسته مکشوف و معلوم باشد، ازوماً به استحضار خاطر محترم آقایان عظام می‌رسانیم. که چنان‌که البته خاطر شریف همگی مسبوق است، بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی مصمم شدند که ابواب نیکبختی و سعادت به‌روی قاطبه اهالی ممالک محروسه ایران باز شود و اصلاحات مفیده لازمه که باعث مزید استحکام مبانی دولت و خوش‌بختی ملت است، به مرور ایام به موقع اجراء گذارده شود و چون این خیال مقدس شاهانه بدون همدستی و معاونت قاطبه اهالی ایران به آن طوری که منظور نظر معدلت اثر همایونی است انجام پذیر نمی‌شد، رأی مبارک همایون شاهنشاهی بر آن تعلق گرفت که مجلس شورایی از منتخبین طبقات معینه، به طوری که تفاسیل آن در دستخط از تاریخ ۱۴ شهر جماد الثانی یونتیل ۱۳۲۴ مشروح است در دارالخلافت طهران تشکیل و تنظیم شود. چون لایحه قواعد انتخابات و لایحه نظامنامه این مجلس شورای ملی باید با کمال دقت موافق دستخط مبارک همایونی ترتیب داده شود و البته می‌دانید که انجام این کار مستلزم وقت و فرصت معینی است. لهذا برای این که بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه، دلیلی واضح و حجتی کافی در تصمیم رأی مبارک خودشان برای تشکیل و ترتیب مجلس شورای ملی، به قاطبه اهالی ایران داده باشند، مقرر فرمودند که عجاله محل موقتی این مجلس محترم، معین و در آنجا با حضور آقایان علماء و وزراء و اعیان و اشراف و تجار و اصناف، صرف شیرینی و شربت بشود.

بدیهی است که اولیاء دولت اهتمام بلیغ خواهند نمود که قواعد انتخابات و نظامنامه مجلس شورای ملی به زودی، موافق دستخط مبارک همایونی از ۱۴ جمادی الثانی، مرتب و اعضای مجلس ملی در طهران جمع و به افتتاح این مجلس محترم نایل شویم. از خداوند خواهانیم که سایه بلند پایه اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی را بر قاطبه اهالی ایران مستدام و به فرزندان صدیق وطن مقدس توفیق کرامت فرماید، که متفقاً با اولیای دولت در افتتاح ابواب نیکبختی به‌روی ایرانیان بکوشند و این دولت و ملت قدیمه پنج هزار ساله ایران را به اوج سعادت برسانند.

سورت لایحه ملت که سلطان المتکلمین آقا شیخ مهدی از طرف ملت فرات نمود

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين و بعد، فقد قال الله تبارك و تعالی فی كتابه المجید. اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، الحمد لله الذي اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شكور. خدای را شکر که از توجه ظاهر و باطن امام عصر عجل الله فرجه الشريف، و از شمول توجهات

کامله پادشاه رعیت پرورد عدالت گستر، امروز شب تاریکی و بی‌نوائی ملت ایرانیان سرآمد و آفتاب سعادت و اقبال ایشان طلوع نمود. حسن استعداد و قبول قابلیت ملت سبب شد که پادشاه دل‌آگاه، نیت مقدس که در نجات مملکت و حیات ملت در خاطر الهام مظاهر نهفته بود، در این زمان سعادت فرجام به منصفه شهود رسانید و فرزندان عزیز خود را که در حجر رأفت پرورده بود، اینک در مصالح خود مطلق و آزاد داشت تا آنچه را که برای عصلحت وقت خود لازم دانند بگویند و بکنند و خرابیهای گذشته وطن عزیز خود را مرمت نمایند.

شبهه‌ای نیست، که استقلال سلطنت، موقوف به ثروت رعیت و تربیت ملت است و تربیت ملت موقوف به استقلال سلطنت، ملت اگر رأی شخصی و شورای ملی خواست، برای حفظ بیضه اسلام و قدرت سلطنت بود و دولت هم که قبول این استدعا را فرمود، برای تقویت ملت و اختیار تامه آنها در ترقی مملکت بوده و اینک که به عنایات کامله خداوندی و به موجب دستخط آفتاب نقطه همایونی، این طور اتحادی محکم فیما بین نمایندگان دولت و ملت حاصل گشت و حسن استعداد ملت سبب شد که دولت حقوق شخصی و ملی آنها را تصدیق فرمود. جای آن است که این هیئت مجلس در بیداری ملت و آگاهی آنها به حقوق مشروعه خود، نهایت مساعدت را به جای آورند، تا ملت هم بتواند با نهایت قدرت، حقوق سلطنت خود را محفوظ دارد و حالا که از خواب غفلت برخاسته، در مقام مرمت خرابیها برآمده، به راهنمایی علماء دین پرور و وزرای دولت خواه وطن پرست، معایب کلیه نواقص حالیه که مدار مملکت را از کار باز داشته، دور دارند و اصلاحات لازمه در تمام دوائر دولتی و ادارات مملکتی مرتب کنند و مطمئن باشند که آنچه از رؤساء روحانی و وزرای بزرگ برآید و لازم باشد در مساعدت با آنها بدون تأمل به عمل خواهد آمد و به موقع اجراء خواهند گذاشت. در این وقت با کمال مسرت و خوشبختی از طرف خود اساله و از جانب هیئت ملت و کاله، تشکیل این مجلس شورای ملی را که فقط برای رسم افتتاح است، شکر موفور به عمل آورده، تشکرات قلبیه و ادعیه خالصانه تقدیم حضور مبارک اعلیحضرت پادشاه معظم و متبوع مفخم ایرانیان می‌نمائیم و عجاله با این معدود از و کلاء که منتخبین از پایتخت می‌باشند شروع به مقصود نموده انتظار می‌بریم که به فرست، و کلائی که باید از تمام بلاد منتخب شوند به ترتیب مخصوص انتخاب شده در دارالخلافه حاضر شوند و هر چه زودتر این مجلس که مجلس شورای ملی باشد، موافق نظامنامه، تکمیل نواقص خود را نموده، در استحکام مبانی سلطنت و استقرار حقوق ملت، نتایج متحسنة را به عون الهی ظاهر سازد والسلام علی من اتبع الهدی.

روز يكشنبه ۲۸ جمادی الاخری ۱۳۲۴ هجری - در این روز میرزا نصرالله خان مشیرالدوله، صدراعظم دیدن کرد از آقایان علماء. اول آمد منزل حضرت حجة الاسلام آقای آقا میرزاسیدمحمد طباطبائی، مشیرالملک پسر بزرگترش نیز با او بود. مذاکره در مجلس از ترویج معارف و تشکیل مجلس شورای ملی بود. جناب حجة الاسلام آقای طباطبائی، توسطی از محبوسین کلات فرمود و خصوصاً از مجدالاسلام. صدراعظم گفت: تلکراف مرخصی آنها را مخایره کردیم ولی شاه فرموده است مجدالاسلام طهران نیاید، در غیر طهران هر جا بخواهد برود. دوست تومان هم بنامش به مجدالاسلام بدهند که صد تومان تلکراف نمایند در خراسان به او بدهند بیست تومان هم به خانه او بدهند مابقی را هم بعدها به او برسانند. بعد از صرف جای و شربت و قلبان با جناب حجة الاسلام آمدند بیرونی، برای ملاقات شاگردان مدرسه دارالفنون و مدرسه فلاحت که بعضی از آنها در سفارتخانه بودند و به قدر صد نفری از آنها عارض شده و در تالار خانه حجة الاسلام نشسته بودند. همگی را خواسته، آمدند توی حیاط، جناب صدراعظم فرمود: که چه مطلب دارید و چرا متحصن شده اید؟ شاگردان دو مدرسه عرض کردند: که مسیوداشر رئیس مدرسه فلاحت، یکی از شاگردان را حبس کرده است به جرم آن که رفته است در سفارتخانه و جزو متحصنین بوده است. صدراعظم گفت: اعلیحضرت شاهنشاه عفو عمومی داده است البته از رئیس عواخذة خواهد شد، چرا بی جهت شاگرد محترم مدرسه را حبس نموده است. بعد از آن رو کرد به شاگردان مدرسه دارالفنون که شما چه می گوئید؟ آنها عرض کردند: ما درس خواندیم، زحمت کشیدیم، چرا دولت به ما کار نمی دهد؟ صدراعظم گفت: دیپلم یعنی تصدیق نامه دارید؟ جواب دادند: هفت نفر تصدیق نامه داریم، فرمود تصدیق نامه خود را بیاورید در مجلس شورا، البته زحمات شما به هدر نمی رود، به شما کار خواهیم داد. هر کدام هم که تصدیق نامه ندارید هر وقت تحصیلات شما به آخر رسید، تصدیق نامه مدرسه را بیاورید در مجلس شورا، اجزاء مجلس به شما کار می دهند. یکی از شاگردان گفت: شاگرد طب چه کند صدراعظم گفت: ما طبیب و مهندس و محاسب و جغرافی دان لازم داریم، فرق نمی کند هر که و هر چه باشد کار خواهیم داد. نهایت تشویق را فرمود و رفت منزل جناب حاج شیخ فضل الله، ظهر برای نهار آنجا مانده چه منزل آقای بهبهانی اول رفته بود. جناب حجة الاسلام آقای آقا میرزا سید محمد و جناب عضدالملک هم تشریف بردند آنجا با حاج شیخ فضل الله و صدراعظم خلوت کرده مطالب سری را عنوان کردند. از مطالب و مذاکرات علنی آن که: باید قانون مالیات را بر طبق قانون اسلام کتابچه و بدون کنند و قانون اسلام را اجراء دارند.

شرفیابی به حضور شاه

طرف عصر، تمام آقایان و علماء اعلام دارالخلافه برای عرض تشکر و تقدیم دعا به حضور همایون، با دعوت مخصوص از طرف قرین الشرف خسروانی شهریار به کالسکه های

سلطنتی سوار شده از شهر به صاحبقرانیه رفتند . ابتداء رفتند منزل وزیر دربار ، هر چه منتظر نشستند جناب آقا سید عبدالله نیامد . لذا آقایان حضور شاه مشرف شده ، شاه کبیر اظهار مرحمت و رؤفت خویش را فرمود . آقایان هم اظهار تشکر نموده پس از مراجعت آنان جناب آقا سید عبدالله وارد شد و تنها رفت حضور شاه .

در امروز این حرکت جناب آقا سید عبدالله اسباب خیال آقایان شد و از امروز حاج شیخ فضل الله در خیال افتاد و دید که آقای بهبهانی جلو افتاده است . باری عصای آقای آقا میرزا سید محمد که وقت رفتن حضور شاه در اطاق وزیر دربار ماند ، در مراجعت آنچه فحس کردند عصا را نیافتند اگر چه عصای آقا قیمتی نداشت لکن چون بی عصا عادی بر رفتن نبودند ، ایستادند و فرمودند عصای دیگری بیاورید . امیر بهادر وزیر دربار انسانیت نموده عصای سرتلای خود را که قیمتی معتدبه داشت ، تقدیم حضرت آقای طباطبائی نمود . حسب الامر شاه ، وزارت عدلیه را دادند به جناب میرزا احمد خان مشیر السلطنه ، حکومت طهران و مضافات را دادند به جناب غلام حسین خان غفاری وزیر مخصوص که سابقاً وزیر عدلیه بود . ارباب حل و عقد هم مشغول نوشتن نظامنامه انتخابات می باشند . پس از معاودت آقایان از قصر سلطنتی صاحبقرانیه صرف جای و شیرینی را در کمرانیه به میزبانی حضرت والا نایب السلطنه امیر کبیر نمودند . وزیر جنگ اعنی نایب السلطنه اظهار دوستی و یگانگی و اتحاد و اتفاق را با آقایان نموده ، مجدداً معاهده و داد و یک جهتی نمودند .

روز دوشنبه ۱۹ جمادی الاخری ۱۳۲۴ - امروز تجار و اعیان بنای دین را از آقایان گذارده و دیدن می کنند . تلگرافاتی هم از اطراف مخابره می شود که ما به تدریج صورت بعضی را درج می نمایم .

تشراف از باحیران قفقاز به

حضور سرکار سید الاحرار حاج سید محمد آقا طباطبائی ، از نایل شدن حضرت عالی به مرام آزادی ملت ، از صمیم دل تشکر ارادتمندان تقدیم محضر انور عالی می نمایم و توفیق حضرتعالی در خوشبختی ایران از خدا خواهانیم .
(مسلمین قفقاز)

جواب

با جگیران - خدمت عموم برادران قفقازی ، از حسن نیت و خلوص عقیدت آن برادران معظم که حاکی از غیرت ملیت و حمیت اسلامیت است ، خوشوقت و از اطمینان شادمانی و همراهی که از اصلاح حال ملت و آزادی اسلامی مملکت و افتتاح مجلس شورایی ایران فرموده بودید متشکر ، از خداوند استحکام و قوام این بنای مقدس و مزید افتخار و شوکت و شرافت آن برادران دینی را مسئلت

نموده و بر حسب وظیفه حتمی و تکلیف شرعی، از مساعدت با نیت حسنه ملت و معاضدت مظلومین مملکت کوتاهی نخواهم داشت .

(محمد بن صادق الطباطبائی)

تغراف از عشق آباد

به حضور مبارک سیدالابرار آقای حاج سید محمد آقا طباطبائی، اقدامات مروتانه حضرتعالی را در آزادی ایرانیان و بنیان قانون اساسی که باعث استحکام دائمی دولت و ملت است، با کمال خلوص صمیمی عرض و تشکر می کنم و بدین شکرانه مشغول جشن می باشم. امیدواریم که دنباله اقدامات را رها نفرمایند تا اشخاص مغرض زحمات حضرتعالی را به هدر ندهند .

(از طرف عموم طایفه ایران حاج اسدالله امین التجار)

جواب تغراف عشق آباد

عشق آباد - به توسط جناب مستطاب حاج اسدالله امین التجار، خدمت عموم برادران ایرانی. از حسن نیت آن برادران محترم که حاکی از حمیت اسلامیت و غیرت ملت است خوشوقت و از اظهار شادمانی که از اصلاح حال ملت و آزادی اسلامی مملکت و افتتاح دارالشورای ملی ایران کرده مسرور، از خداوند استحکام این بنا و مزید خوشبختی برادران دینی را سائل و بر حسب وظیفه حتمی و تکلیف شرعی، تا آخرین نقطه، از مساعدت با نیت حسنه ملت کوتاهی نخواهد داشت .

(محمد بن صادق الطباطبائی)

روز سه شنبه ۱۳۲۴ جمادی الاخری ۱۳۲۴ - در این روز جناب حجة الاسلام آقای طباطبائی و جناب حجة الاسلام آقای بهبهانی تشریف بردند منزل جناب شیخ المراقبین که از اسفهان آمده بود قم و از قم همراه آقایان آمده بود به تهران دیگر امری مهم اتفاق نیفتاد. روز چهارشنبه ۱۳۲۴ شهر رجب ۱۳۲۴ - امروز طرف عصر، مجلسی در مدرسه نظامی منعقد گردید از رساء روحانیین آقای طباطبائی و آقای بهبهانی و حاج شیخ فضل الله و آقا سید جمال افجه ای و آقای صدر العلماء و سایر علماء اعلام و آقا زاده ها از اعیان و دربارها، مشیر الملک پسر صدراعظم، وزیر امور خارجه و محترم السلطنه و مؤتمن الملک و بعضی دیگر حاضر بودند، از تجار هم جمع کثیری بودند. نظامنامه ای که مشتمل بر چهل فصل بود قرائت شد. بنا شد آقایان علماء بعض فصول دیگر به آن ملحق کنند و بعض تغییرات در آن بدهند، آن وقت به طبع برسانند .

وزارت تجارت داده شد به شماع السلطنه پسر شاه، لکن آقایان قبول نفرمودند زیرا که بدون اطلاع به مجلس و تصویب رساء بوده است. دیوانیان می گویند چون هنوز مجلس رسمی نشده است و نظامنامه آن به صحه اعلیحضرت نرسیده است، پس اعطاء این منصب و

شکل باید امضاء شود. در این مذاکره حضرات تجار بالاجماع قبول نکردند و گفتند: ما در مجلس این وزیر حاضر نمی‌شویم و کلیهٔ و رأساً رد نمودند وزارت او را .

چند روز قبل که آقایان حضور شاه رفتند ، نوشتیم وزیر دربار امیر بهادر عصای سر ملای خویش را تقدیم حضرت آقای طباطبائی نمود در عوض عصای خودشان که مفقود شده بود. پس از مراجعت آقایان، شهرت گرفت که امیر بهادر حضور شاه عرض کرده بود عصای سرطیلائی خود را دادم به آقا سید محمد و پانصد تومان هم دادم به آقا سید جمال مجتهد افجه‌ای و هر دو را راضی کردم . این خبر که به حضرت حجة الاسلام رسید ، عصا را پس فرستادند، یعنی عصا را دادند به حاجی غفارخان که فردا ببرد و بدهد به امیر بهادر .

روز پنجشنبهٔ دویم رجب ۱۳۲۴ - امروز حاج غفارخان از طرف حضرت حجة الاسلام آقای طباطبائی رفت به صاحبقرانیه و عصای امیر بهادر را برد و به او رد نموده و گفت : حضرت آقا فرمودند : مرا گمان این بود که سر این عصا برنج است ، از این جهت قبول کردم ، اینک معلوم می‌شود که طلاست و من طلا را در دست نمی‌گیرم . امیر بهادر چون با حضور صدر اعظم و نایب‌السلطنه خجالت کشید از این رد عصا ، لذا خود را کنار کشیده و گفت : حضرت آقا نهایت بی‌مرحمتی را دربارهٔ من فرمودند ، لکن من دست از اخلاص خویش بر نمی‌دارم و حضور حضرت حجة الاسلام عرض کنید : به اجداد طاهرین شما که من عصای سرکار را پس نمی‌دهم و نباید هم پس بدهم . این رد عصا خیلی به شرف امیر بهادر برخورد و مردم از این رد عصا خیلی خوشحال شدند .

طرف عصر امروز ، وزیر مختار روس خدمت حضرت حجة الاسلام رسید به قدر نیم ساعت نشسته و گفتگوی سیاسی و پولتیکی کردند .

اول شب نیرالدوله ، حاکم تهران که معزول شده ، خدمت حضرت آقای طباطبائی رسید .

روز جمعهٔ سویم رجب ۱۳۲۴ - امروز جمعی از بزرگان و طلاب ، حضور مبارک حضرت حجة الاسلام آقای طباطبائی رسیدند ، در باب نظامنامه مذاکره نمودند .

انجمن مخفی ثانوی

بعد از رفتن آقایان به قم انجمن مخفی اولی که فقط همشان مصروف ترویج معارف و علوم و تشویق از مدارس و مکاتب بود موقوف گردید و اجزاء آن پراکنده و متفرق شدند . پس از مراجعت آقایان جناب آقا میرزا محمدصادق پسر دویمی آقای طباطبائی را ملاقات نموده گفتیم : آقای من ، ما امروز بیشتر از سابق محتاجیم به انجمن ، چه ما سابق مقصود را فقط مذاکره از مدارس و معارف می‌دانستیم و در بیداری مردم و تشویق آنان به معارف و علوم ساعی و جاهد بودیم . لکن خداوند عالم بر ما تفضل نمود و به فلب پادشاه انداخت که مجلس شورای ملی به ما ملت مرحمت فرمود و امروز می‌بینیم اشخاصی در بین